

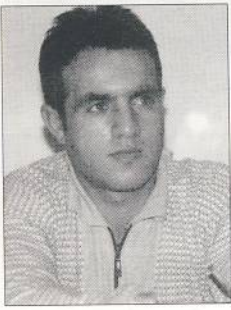


نقد و معرفی کتاب

نظری کوتاه بر

دیوان عبدالعیشاه کاشانی

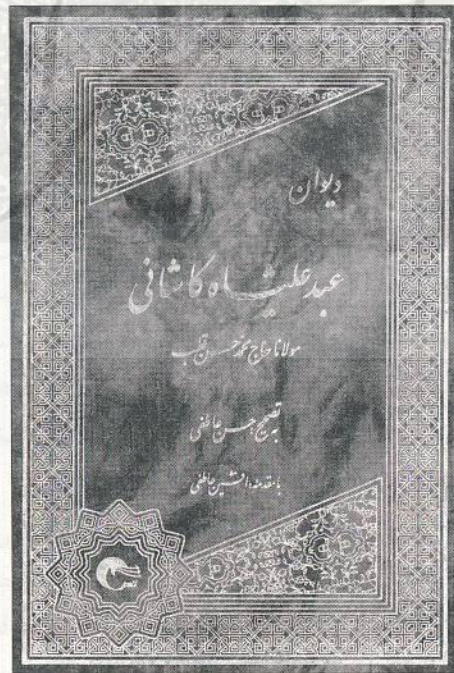
بهرروز ایمانی*



جریانی که امروز در گستره شعر و ادب پارسی به نام «شعر حوزه‌های علمیه» شناخته شده و چون رودی زلال به دریای سترگ شعر پارسی پیوسته، بر جوشیده از لطافت ذوق و بلندای اندیشه دانشمندان علوم دینی و معارف اسلامی است. این جریان که سرشار از معانی و مفاهیم متعالی عارفانه و حکیمانه است و معنویت در آن موج می‌زند، از سده‌های گذشته تا امروز، از مولانای بزرگ تا امام خمینی (ره) این بزرگمرد تاریخ تشیع، همواره پویا و متلاطم بوده است. اگر تاریخ ادبیات گذشته و امروز این سامان را به دیده تحقیق

حسن زاده املی و... از جمله معاریف اسلامی می‌باشند که حجره تنگ تحجر را وانهادند و به شور و حال پرداختند و در کنار پرداختن به حکمت و عرفان و معارف دینی، به دنیای پر رمز و راز شاعری نیز گام نهادند تا تأملات و تألمات خود را با زبان شعر بیان نمایند.

حاج ملامحمد حسن نطنزی کاشانی (۱۲۳۲ هـ. ق - ۱۳۰۲ هـ. ق) ملقب به عبدعلیشاه و متخلص به عبدعلی از علما و روحانیون فاضل کاشان در دوره قاجاریه و نوه دختری ملا احمد نراقی است. وی دوران دانش آموزی خود را در کاشان گذراند و از دانشوران و اساتید این سامان، فقه و اصول و حکمت و دیگر دانشها را فرا گرفت تا به درجه اجتهاد رسید. سپس روانه کرمان شد و از خرمن فضل و دانش حاج سیدمحمدعلی سیرجانی کرمانی منیرعلیشاه توشه‌های بسیاری اندوخت و دوباره به کاشان بازگشت و در آنجا به تدریس و ارشاد پرداخت. در سال ۱۲۷۰ هـ. ق به شیراز رفت و به خدمت حاج زین العابدین میرزا کوچک شیرازی رحمتعلی شاه پیوست و به دستور و ارشاد وی نزدیک به هشت سال به ریاضت و تزکیه نفس پرداخت تا از او لقب عبدعلیشاه و نیز خرقه و اجازه فتوی یافت. چون رحمتعلی شاه در گذشت و پیشوایی سلسله نعمت الهی به حاج آقا محمدشیرازی منورعلیشاه (در گذشته ۱۳۵۱ هـ. ق) رسید، دوباره



دیوان عبدالعیشاه کاشانی (مولانا حاج محمدحسن قطب): به تصحیح حسن عاطفی، با مقدمه افشین عاطفی، کاشان، انتشارات مرسل، ۱۳۷۸، شصت و نه + ۲۴۶ ص.

بنگریم و تذکره‌ها و دیگر سرچشمه‌های تاریخ و ادب را به انگشت تورق، تفحص کنیم، نام بسیاری از شعرا بر دیده می‌نشیند که در دامن حوزه‌های علمیه و در قلب حجره‌های عشق و معرفت پرورده شده‌اند و در کنار پژوهش و آموزش دانشهای دینی و معارف الهی و اسلامی، شعرهای نغزی نیز سروده‌اند و اندیشه‌های بلند اخلاقی، حکمی و عرفانی خود را در قالب نظم عرضه نموده‌اند. واعظ کاشی، حزین لاهیجی، فیاض لاهیجی، فیض کاشانی، شیخ بهایی، میرداماد، ملااحمد نراقی، میرزا حبیب خراسانی، ابوالحسن جلوه، الهی قمشه‌ای، علامه طباطبایی، امام خمینی (ره)، آیت الله

* کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

راهی شیراز گشت و به منور علیشاه دست ارادت داد و از او عنوان «شیخ المشایخ» یافت و به اشاره و فرمان وی به ارشاد و تربیت سالکان و طلاب شهرهای خراسان، تهران، کاشان، قم و . . . پرداخت.

عبد علیشاه افزون بر جایگاه والایی که در آموزش و پژوهش حکمت و عرفان و معارف اسلامی داشت، اشعار نغزی نیز سروده است. دیوان وی که به تصحیح و اهتمام آقای حسن عاطفی به چاپ رسیده، در بر دازنده چکامه، چامه، مسمط، ترجیع بند و رباعی است. چکامه‌های مدحیه وی در ستایش امام علی (ع)، امام زین العابدین (ع) و پیشوای هشتمین شیعه امام علی بن موسی الرضا (ع) پرداخته شد و چکامه‌های اخلاقی و عرفانی وی در یگانگی و معرفت خداوند، پند و اندرز، نکوهش دنیا و دنیا داران و . . . سروده شده است. عبد علیشاه در چکامه‌های خود از شیوه سخنوری سرایندگان سبک خراسانی و عراقی بویژه سنایی، حکیم غزنین پیروی کرده و از او با عنوان «استاد روحانی» یاد نموده است. نمونه‌هایی از استقبال عبد علی از چکامه‌های سنایی را می‌توان در مقدمه مصحح دیوان (صص شصت و سه و شصت و چهار) دید.

نگرش عبد علیشاه در چامه‌سرایی بر طرز غزل‌گویی سرایندگان سبک عراقی همچون پیر نیشابور، مولانا جلال الدین بلخی و دو نغمه پرداز شیراز یعنی حافظ و سعدی است و گاه در استقبال چامه‌های آنان، ذوق خود را آزموده است. سخن وی در کل منسجم و روان و دور از گره خوردگی و پیچیدگی لفظی و معنوی است. اما گاه به واژه گانی دشوار چون افاک (دروغگو)، گیاهب (تاریکیها)، محرک (چوپ آتش کاو)، مطارب (راههای پراکنده) و . . . نیز در شعر او بر می‌خوریم که دریافت مفهوم برخی از ابیات را نیازمند تأمل ساخته است. این امر یعنی کاربرد واژگان سنگین و دشوار تازی در سخن عبد علی، زاده پژوهش و مطالعه وی در مطاوی متون تازی در موضوعات گوناگون حکمی، عرفانی و دینی است.

دیوان وی که به چاپ رسیده، دارای دو دیباچه، یکی به قلم آقای افشین عاطفی و دیگری نوشته مصحح کتاب آقای حسن عاطفی است. در دیباچه آقای افشین عاطفی که مبسوط و فراخ دامن است، به زندگی، نوشته‌ها و فعالیت‌های علمی و دینی، محتوای دینی دیوان عبد علی و نیز به گفته‌ها و نوشته‌ها و سروده‌های تذکره نویسان، نویسندگان و شاعران درباره وی، معرفی خویشاوندان، بازماندگان و فرزندان او پرداخته شده است. در این

بخش، تصویر چند سند از جمله شکوائیه عبد علیشاه درباره حق تدریس در مدرسه سلطانی کاشان به ناصرالدین شاه، اجازه فتوای رحمتعلی شاه به وی، فرمان ناصرالدین شاه درباره پرداخت مستمری وی و . . . نقش بسته است. دیباچه کوتاه مصحح کتاب نیز به «سخنی چند درباره دیوان عبد علیشاه و تصحیح آن»، «سبک و سخن عبد علیشاه» و «نکات دستوری» شعر او اختصاص یافته است.

سرمایه و کار پایه مصحح در تصحیح دیوان عبد علیشاه کاشانی، دو دست‌نوشته است. یکی متعلق به کتابخانه خانقاه نعمت‌اللهی تهران است که به سال ۱۳۰۵ هجری قمری، یعنی سه سال پس از درگذشت عبد علی، بوسیله عبد الحمید منجم در شهر مقدس مشهد استنساخ شده و دیگری از آن کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۶۳۰ (ر. ک: فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۲، ص ۳۱۷) است که به خط شکسته نستعلیق اسدالله محلاتی تحریر شده و ترقیمه آن مورخ به سال ۱۲۸۴ هجری قمری یعنی روزگار خود شاعر است. هنگام استنساخ نسخه ملک، عبد علی شاه ۵۲ سال داشته است. از آنجا که نسخه خطی کتابخانه خانقاه نعمت‌اللهی تهران کاملتر از نسخه کتابخانه ملک بوده، بنابر این مصحح، آن را اساس قرار داده و اختلافات نسخه ملک را در پاورقی کتاب یادداشت نموده است. هر گاه مصحح در نسخه اصل به «پاره‌ای از شبیه نویسی‌ها و غلطی‌های املائی و دیگر نابسامانیها» برخورده، قیاساً و یا از روی نسخه کتابخانه ملک به اصلاح آنها پرداخته است.

بخش پایانی دیوان عبد علیشاه به مثنوی بلند «عقل و عشق و معراج پیغمبر (ص)» که سروده علامه میرزا ابوتراب کاشانی برادر بزرگ عبد علیشاه است، اختصاص یافته است. میرزا ابوتراب از علمای بزرگ سده سیزدهم و مدرس مدرسه سلطانی کاشان بود که صاحب رساله‌های متعدد در مسائل علمی و دینی است.

در پایان سخن باید به صحافی زیبا، حروفچینی و صفحه‌آرایی خوب کتاب اشاره کرد که قابل تقدیر است. ای کاش فهرستی نیز بر اعلام تاریخی و جغرافیایی و اسامی کتب این دیوان فراهم و تنظیم می‌گشت تا مزیت و کیفیت آن دو چندان می‌شد. توفیق روزافزون مصحح و محقق کتاب را در اعتلای فرهنگ ایرانی - اسلامی این سرزمین از خداوند متعال مسئلت داریم.

